

اخبار و تحلیل‌ها

نشریه روزانه (داخلی) معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سپاه

سال بیست و هشتم / شماره ۶۷۶۴

شنبه ۳ مرداد ۱۴۰۵

امام خامنه‌ای (ره):

اما در مورد امپراتوری روبه انقراض آمریکا: واقعاً روبه انقراض! مشکل اقتصادی دارند، مشکل سیاسی دارند، مشکل اجتماعی دارند؛ بیش از پنجاه درصد مردم آمریکا رئیس‌جمهور فعلی‌شان را قبول ندارند؛ اینها مشکلات یک کشور است؛ اینها غرق در مشکلاتند.

۱۴۰۴/۱۱/۲۸

کرونومتر جنگ به سود ایران می‌چرخد

👤 علی محمدی

در مقطع کنونی، کرونومتر جنگ به نفع آمریکا نمی‌چرخد؛ دلیل آن فشار مستقیمی است که این جنگ بر اقتصاد جهانی و به‌ویژه اقتصاد آمریکا وارد می‌کند. بسته بودن تنگه هرمز، ناامن شدن باب‌المندب و افزایش هزینه بیمه و حمل‌ونقل دریایی، بازار انرژی را تحت فشار قرار داده است. در دور اول جنگ، بازار توانست با آزادسازی ذخایر استراتژیک، افزایش نسبی تولید برخی کشورها و استفاده از مسیرهای جایگزین بخشی از شوک را مهار کند، اما این ابزارها دائمی نیستند. صندوق بین‌المللی پول و بسیاری از مؤسسات انرژی هشدار داده‌اند که ظرفیت جذب شوک بازار نسبت به ابتدای بحران به‌طور محسوسی کاهش یافته و ادامه بحران، مدیریت قیمت‌ها را دشوارتر خواهد کرد.

هم‌زمان، آمریکا ناچار است برای حفظ ناوگان دریایی، استقرار سامانه‌های پدافندی، حفاظت از پایگاه‌های منطقه‌ای و استمرار عملیات نظامی، روزانه صدها میلیون دلار هزینه کند. در داخل آمریکا نیز افزایش قیمت نفت منجر به رشد تورم، بالا ماندن نرخ بهره، افزایش بازده اوراق خزانه، فشار بر بازار سهام و کاهش محبوبیت سیاسی دولت شده است. این همان کرونومتر سیاسی

و اقتصادی واشنگتن است که با طولانی شدن بحران، سریع‌تر از کرونومتر تهران تحت فشار قرار می‌گیرد.

البته کرونومتر ایران نیز متوقف نیست. کاهش درآمدهای ارزی، فشار بر تجارت خارجی، افزایش هزینه‌های نظامی و دشواری نقل و انتقال مالی، اقتصاد ایران را نیز تحت فشار قرار می‌دهد. با این حال، تفاوت اصلی در این است که آمریکا برای نجات خود، به باز بودن مسیرهای تجارت و انرژی نیاز فوری‌تری دارد، اما ایران وابستگی کمتری در کوتاه‌مدت به جریان آزاد این مسیرها دارد. ایران در کوتاه‌مدت از ذخایر راهبردی ارزی و کالا و برخی کریدورهای جایگزین برای تأمین نیازهای خود برخوردار است.

به همین دلیل، در ماه‌های نخست جنگ، فشار اقتصادی، انرژی، سیاسی و حتی اجتماعی بر آمریکا و متحدانش سریع‌تر و محسوس‌تر از ایران ظاهر می‌شود. نارضایتی فزاینده افکار عمومی آمریکا از جنگ، شکاف‌های داخلی در کاخ سفید و کاهش اعتماد متحدان منطقه‌ای به چتر امنیتی واشنگتن، همگی عواملی هستند که کرونومتر را به نفع تهران به حرکت درآورده‌اند. ایران با تکیه بر جغرافیای راهبردی خود، توانسته است هزینه‌های جنگ را به گونه‌ای مدیریت کند که دشمن در کوتاه‌مدت بیش از خودش آسیب ببیند. از این رو، دست‌کم در مقطع فعلی، عقربه زمان به نفع تهران در حال چرخش است.

توافقی که حاصل بیش از دو دهه رایزنی دیپلماتیک میان واشنگتن و ریاض بود، تنها ۲۴ ساعت پس از امضای رسمی در مقر وزارت انرژی آمریکا به شکستی جنجالی انجامید. چهارشنبه هفته گذشته، کریس رایت، وزیر انرژی آمریکا، در مراسمی رسمی و در ارتباط تصویری با همتای سعودی خود، توافق‌نامه همکاری‌های هسته‌ای میان دو کشور را به امضا رساند. بر اساس این توافق، ریاض به بخش اعظم خواسته‌های خود رسیده بود؛ امکان غنی‌سازی اورانیوم در خاک عربستان فراهم می‌شد و طرف سعودی از امضای «پروتکل الحاقی» آژانس بین‌المللی انرژی اتمی معاف شده بود. اما این پیروزی دیپلماتیک دوامی نداشت. صبح روز بعدش، دونالد ترامپ با انتشار پستی ناگهانی در شبکه اجتماعی خود، همه چیز را ویران کرد و توافق را منوط به پیوستن فوری عربستان به «پیمان ابراهیم» و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی کرد؛ موضعی که عملاً توافق را وارد فاز فروپاشی کرد.

تغییر موضع ۱۸۰ درجه‌ای ترامپ را می‌توان ناشی از دو عامل اصلی دانست: نخست، پوشش شدیداً انتقادی شبکه فاکس نیوز و سرمقاله وال استریت ژورنال که با ابراز شگفتی مطرح کردند

چرا ترامپ امتیازی به عربستان داده که حتی جو بایدن هم حاضر نبود بدون عادی سازی روابط با رژیم صهیونی به ریاض اعطا کند. تنها چند دقیقه پس از پایان این تحلیل ها، پست جنجالی ترامپ منتشر شد. عامل دوم، عصبانیت شخص ترامپ از وزیر انرژی بود که چرا بدون اطلاع و هماهنگی نهایی با او اقدام به برگزاری مراسم امضا کرده است. این عقب نشینی ناگهانی، ناهماهنگی عمیقی را در بدنه دولت آمریکا برملا کرد و منابع آگاه تأیید کردند که شرط جدید ترامپ حتی تیم مذاکره کننده هسته ای دولت را که ماه ها روی متن توافق کار کرده بودند، کاملاً غافلگیر کرد.

در این میان، سکوت و شوک طرف سعودی نیز جلب توجه می کرد. یک منبع آگاه سعودی در واکنش به شروط جدید ترامپ تأکید کرد که توافق امضا شده و دیگر چیزی برای مذاکره مجدد وجود ندارد و «توییت ها نمی توانند توافق نامه های امضا شده را باطل کنند». همچنین دو منبع صهیونیست به سی ان ان گفتند که نتانیا هو قصد داشته بر روند این توافق تأثیر بگذارد و ترامپ را برای گنجاندن شرط عادی سازی روابط با تل آویو تحت فشار قرار دهد. رژیم صهیونی که خود دارای سلاح هسته ای است، همواره با هرگونه ترتیبی که به کشورهای عربی اجازه دستیابی به چرخه سوخت و غنی سازی بدهد، به شدت مخالفت کرده است. این آشفتگی درون سازمانی در واشنگتن نشان داد که تصمیم گیری های کلان در دولت آمریکا تا چه حد تحت تأثیر حواشی رسانه ای و فشارهای لحظه ای قرار دارد.

نظم تک قطبی در حال فروپاشی است

آنتونی بلینکن، وزیر خارجه سابق آمریکا، با اشاره به کاهش حمایت‌های جهانی از ایالات متحده، اذعان کرد که آمریکا «قافیه را به چین باخته است» و دیگر به عنوان یک رهبر معتبر در جهان دیده نمی‌شود. بلینکن گفت: «آنچه در بسیاری از جاها و به شیوه‌های گوناگون شاهد آن هستیم، فروپاشی و از دست رفتن کامل حمایت‌ها از ایالات متحده است. آمریکا دیگر به عنوان یک رهبر معتبر که سایر کشورها تمایل داشته باشند با آن همکاری کرده و از آن پیروی کنند، دیده نمی‌شود.» وزیر خارجه سابق آمریکا با اشاره به نظرسنجی‌ها افزود که «چین قابل اعتمادتر و قابل اطمینان‌تر تلقی می‌شود» و حتی کشوری مانند آلمان، ایالات متحده را «یک متخاصم و خصم» می‌داند. بلینکن تأکید کرد که «آمار و ارقام مشابهی در سایر کشورهای اروپایی، کره، ژاپن و نقاط دیگر» نیز مشاهده می‌شود. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که اختلافات میان آمریکا و متحدان اروپایی در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ به اوج خود رسیده و دکترین «اول آمریکا» بر کاهش حمایت از متحدان سنتی متمرکز شده است. تحلیلگران معتقدند خیزش چین به عنوان یک قدرت نوظهور، نشان‌دهنده فروپاشی نظم تک قطبی به محوریت آمریکا است که پس از جنگ جهانی دوم پایه‌ریزی شده بود.

وحدت کامل دولت و ملت در برابر آمریکا

سلیمان احمد، روزنامه‌نگار انگلیسی که به ایران سفر کرده و از نزدیک شاهد مراسم وداع مردم با رهبر شهید بود، در تحلیلی با اشاره به انسجام کامل دولت و ملت ایران، تأکید کرد که هیچ شکافی در داخل نظام حکمرانی وجود ندارد و دولت و ملت به صورت منسجم خواهان انتقام و پیروزی قاطع هستند. احمد با اشاره به رفتار عاقلانه و منطقی ایران در عرصه رسانه و میدان رزم، گفت: «ایران ضمن تأکید بر آمادگی کامل برای دفاع در برابر تجاوز آشکار آمریکا-اسرائیل، همواره آمادگی خود را برای مذاکره‌ای که منتج به نتیجه عملی شود، اعلام کرده است. تهران صلح را در اولویت قرار می‌دهد، اما به نحوی رفتار نمی‌کند که این تمایل به صلح به عنوان نشانه ضعف یا انفعال تعبیر شود.» این روزنامه‌نگار انگلیسی با اشاره به حملات اخیر ایران به سامانه‌های راداری و پدافندی در اردن، بحرین، کویت و قطر، این اقدامات را در چارچوب راهبردی برای «کاهش زمان هشدار، محدود کردن توان رهگیری موشک‌ها و گشودن مسیر برای عبور حملات احتمالی به سوی اسرائیل» توصیف کرد. به گفته احمد، ایران در دوره آتش‌بس نه‌تنها ظرفیت‌های پیشین خود را بازسازی کرده، بلکه ذخایر موشکی و پهپادی‌اش را نیز افزایش داده و استفاده از سامانه ناوبری چینی «بیبدو» و تجهیزات راداری جدید، دقت حملات ایران را به‌طور محسوسی بالا برده است.

احمد در پایان با رد ادعای ترامپ درباره نابودی توان نظامی ایران، تصریح کرد که آنچه در میدان مشاهده می‌شود «نه فرسایش یک‌طرفه توان ایران، بلکه افزایش دقت و پیچیدگی حملات تهران در کنار تحلیل‌رفتن تدریجی ذخایر دفاعی آمریکا و متحدانش است.»

سه برگ برنده ایران مقابل آمریکا

ماشاءالله شمس‌الواعظین، فعال سیاسی، با اشاره به درگیری‌های اخیر ایران و آمریکا، سه برگ برنده ایران در مقابل آمریکا را «جغرافیا، زمان و مذاکره» دانست. شمس‌الواعظین با بیان اینکه «ایران در ایجاد موازنه قدرت در برابر حملات آمریکا موفق عمل کرده و آمریکا را وادار کرده است که عملیات نظامی خود را در محدوده‌های مشخصی نگه دارد»، گفت: «موقعیت جغرافیایی ایران یک مزیت مهم است، زیرا ایران در سرزمین خود از خود دفاع می‌کند، در حالی که دشمن روی دریا و در نقاط آسیب‌پذیر مستقر است. عنصر زمان نیز به نفع ایران در حرکت است، زیرا آمریکا با فشار انتخابات میان‌دوره‌ای، محدودیت اختیارات رئیس‌جمهور و افزایش قیمت بنزین مواجه است.» وی با اشاره به توان مذاکراتی ایران افزود: «در یادداشت تفاهم، از مجموع ۱۴ بند، تقریباً ۱۳ بند آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به سود ایران است. ایران ابتکار عمل در روند مذاکرات را در اختیار دارد و هر زمان که اراده کند، می‌تواند این روند را گسترش دهد یا متوقف سازد.» شمس‌الواعظین با اشاره به اختلافات در کاخ سفید، تصریح کرد که «صدای گروهی که بر ادامه حملات نظامی تأکید دارند در ایران بلندتر است، اما گروهی دیگر معتقدند

امتیازهای تاکتیکی باید از طریق مذاکره به دستاورد راهبردی تبدیل شود.» وی در پایان خاطرنشان کرد که «اگر وضعیت فعلی ادامه پیدا کند، ایران می‌تواند آمریکا را با پیامدهای بسته شدن تنگه هرمز و اختلال در انتقال انرژی به بازارهای جهانی مواجه کند.»

تنگه‌های هرمز و باب‌المندب در کنترل جبهه مقاومت

نشریه آتلانتیک در یادداشتی با اشاره به ناکامی آمریکا در دستیابی به اهداف سیاسی جنگ با ایران، تأکید کرد که واشنگتن باید بپذیرد «جنگ را به ایران باخته است» و اوضاع بدتر از زمان شروع درگیری است. به نوشته اندرو اکسام، «ملت‌ها برای دستیابی به اهداف سیاسی جنگ می‌کنند، نه اهداف نظامی، و آمریکا به هیچ‌یک از اهداف سیاسی خود در جنگ با ایران دست نیافته است. در واقع، در ماه ژوئیه وضعیتی ایجاد شده که به‌طور قابل توجهی بدتر از دوران قبل از جنگ است.» این نشریه با اشاره به بسته شدن تنگه هرمز و تهدید تنگه باب‌المندب توسط انصارالله یمن، تصریح کرد که «تنگه هرمز که قبل از شروع درگیری باز بود، اکنون تا حد زیادی بسته شده است» و «نقطه حساس شبه جزیره عربستان، تنگه باب‌المندب، توسط شرکای ایران در یمن بسته شده است.» آتلانتیک همچنین با اشاره به هشدار مدیران صنعت انرژی آمریکا درباره کمبود نفت و گاز، نوشت: «اکسون و شورون اخیراً هشدار داده‌اند که اگر اوضاع بهبود نیابد، بحران انرژی واقعاً اجتناب‌ناپذیر است و این می‌تواند کل اقتصاد جهانی را تهدید کند.» این نشریه با بیان اینکه آمریکا راهکار نظامی کارآمدی برای این مشکل ندارد، تأکید کرد که

«ایران می‌تواند نفتکش‌هایی را که از تنگه هرمز عبور می‌کنند، با چیزی کمتر از پهپادهای ارزان قیمت تهدید کند» و تهران «اهرم روانی قدرتمندی بر شرکت‌های کشتیرانی و بیمه‌کنندگان آنها پیدا کرده است، آنقدر که نیازی به مین‌گذاری برای مسدود کردن تنگه هرمز نداشته باشد.»

▼ اخبار کوتاه

◀ حسین کنعانی‌مقدم، فعال سیاسی، با اشاره به اهداف آمریکا گفت: «هدف اصلی واشنگتن گسترش جنگ و ایجاد یک سرپل در خاک ایران برای افزایش اهرم فشار است.» وی درباره احتمال حمله به جزایر ایرانی تأکید کرد: «حتی اگر آمریکا بتواند با تحمل تلفات سنگین بخشی از این مناطق را تصرف کند، امکان حفظ آنها را نخواهد داشت.» کنعانی‌مقدم افزود: «قدرت آتش ما آنقدر زیاد است که می‌توانیم آنقدر جزایر را بزنیم تا سوراخ شوند و آمریکایی‌ها غرق شوند.» این کارشناس مسائل نظامی تصریح کرد توان آتش ایران مانع از تثبیت حضور نیروهای آمریکایی در جزایر خواهد شد.

غلامحسین درزی، سفیر و معاون نمایندگی کشورمان در سازمان ملل، با محکومیت حمله عمدی آمریکا به دو

شناور جست‌وجو و نجات ایرانی گفت: «هدف قرار دادن عمدی شناورهایی که صرفاً برای انجام عملیات جست‌وجو و نجات دریایی اختصاص یافته‌اند، نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه است و مصداق جنایت جنگی محسوب می‌شود.» وی افزود: «این شناورها وظیفه‌ای کاملاً بشردوستانه بر عهده دارند و مأموریت انحصاری آنان نجات جان افراد گرفتار در دریا است.» درزی تصریح کرد: «آمریکا با هدف قرار دادن عامدانه تجهیزات بشردوستانه، نه تنها جان نیروهای امداد و نجات را به مخاطره انداخته، بلکه امنیت تمامی دریانوردان نیازمند کمک، صرف‌نظر از تابعیت آنان، را نیز در معرض خطر قرار داده است.»

وزارت دفاع یمن در بیانیه‌ای با هشدار به عربستان سعودی اعلام کرد: «رژیم عربستان به جای تن دادن به خواسته عادلانه و مشروع برای رفع محاصره یمن، مرتکب حماقت بزرگی شد که تاوان سنگینی برایش خواهد داشت.» در این بیانیه آمده است: «ما رژیم عربستان سعودی را مسئول تمام پیامدها و تحولات ناشی از این اقدام جنایت‌کارانه می‌دانیم.» وزارت خارجه دولت صنعا نیز تصریح کرد: «رژیم عربستان با هدف

قرار دادن استان الحدیده، رویکرد "تنش در برابر تنش" را به ویژگی اصلی دوره پیش‌رو تبدیل کرده است.»

اکبر حسن بکلو، معاون هماهنگی توزیع توانیر، با اشاره به پایداری شبکه برق کشور در شرایط جنگی گفت: «با وجود اینکه ۲۰۰۰ نقطه از شبکه برق در طول جنگ تحمیلی مورد اصابت دشمن قرار گرفت، شبکه سراسری همچنان پایدار است.» وی افزود: «در استان‌های جنوبی کشور تقریباً تمام نقاط جنوبی مورد اصابت قرار می‌گیرد، اما جایی که مورد اصابت دشمن قرار می‌گیرد، در کمتر از ۵۰ دقیقه برق مشترکان را دایر می‌کنیم.» حسن بکلو همچنین از کاهش مصرف برق نسبت به سال گذشته خبر داد و گفت: «اوج مصرف امسال به ۷۴ هزار مگاوات رسیده که تقریباً ۳۵۰۰ مگاوات کمتر از زمان مشابه سال قبل است.»

شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونی گزارش داد که ده‌ها شرکت هواپیمایی اروپایی، پروازهای خود به مقصد سرزمین‌های اشغالی را لغو کرده‌اند. بر اساس این گزارش، این اقدام در پی نگرانی‌ها از تشدید تنش‌های امنیتی در منطقه صورت گرفته است. پیش‌تر نیز بسیاری از شرکت‌های بزرگ هواپیمایی از جمله بریتیش ایرویز

و ایبریا اکسپرس پروازهای خود به تل‌آویو را به حال تعلیق درآورده بودند.